

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین

الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

دیشب ما نمونه‌هایی را عرض کردیم که یعنی در طی این مدت که وضع فهرست و وضع رجال و بررسی رجالی و فهرستی را توضیح دادیم و عرض کردیم آن که بین متعارف اصحاب ما بود تا در قم بودند یا در بغداد هنوز منتشر نشده بودند همان بحث فهرستی و شناخت مصدر حدیث بین اصحاب و نسخ حدیث و طرق حدیث و اینها .

ظاهرا از بغداد که می‌شود دیگر چون در بغداد اولاً مسالهی حجیت خبر ، حجیت تعبیدی خبر کاملاً جا افتاده بود استاندارد علمی بود و آقایان هم دیگر ظاهراً مثل همان‌ها عمل کردند حالا یک مسالهی دیگری هم هست تصادفاً محل کلام است و یک وقتی من یک رسالهی خطی دیدم فتوکپی از آن گرفته بودم آقای سیستانی به خط خودشان نوشته بود درباره‌ی این جدول که شهر رمضان ثلاثون یوما نمی‌دانم چاپش کردند یا نکردند یادم نیست .

یکی از حضار : نکردند ، جدول اسماعیلی‌ها ، همان جدولی که اسماعیلی‌ها می‌گویند درست کردند برای شهر رمضان

آیت الله مددی : معلوم نیست اسماعیلی باشد .

یکی از حضار : یک ماه بیست و نه روز ، یک ماه سی روز همان را می‌فرمایید ؟ یک جدول عددی درست کردند که همه‌اش ماه رمضان سی روز است ماه شعبان بیست و نه روز است .

آیت الله مددی : اسماعیلی‌ها گفتند درست کردند ؟

یکی از حضار : گفتند آقای شعرانی مثل اینکه می‌گوید اسماعیلی‌ها درست کردند .

آیت الله مددی : بله .

این جدول را به اصطلاح در حقیقت این طوری است که از ماه محرم شروع می‌شود ۳۰ روز است ماه صفر ۲۹ است بعد ربیع الاول ، ربیع الثانی همینطوری یک ماه ۳۰ روز یک ماه ۲۹ روز . آن وقت ماه شعبان دائماً ۲۹ روز است ماه رجب دائماً ۳۰ روز است ماه شعبان دائماً ۲۹ روز است ماه رمضان دائماً ۳۰ روز است شوال دائماً ۲۹ روز است ذی حجة به حساب ذی قعدة معذرت می‌خواهم ۲۹ روز است ذی حجة بین ۲۹ و ۳۰ است اگر کیسه باشد ۳۰ روز است و الا ۲۹ روز است .

این یک جدولی بوده که علمای نجوم در آن زمان داشتند تا آنجایی هم که من می دانم ربطی هم به اسماعیلی ها ندارد حالا ایشان به اسماعیلی ها ربط داده ، مرحوم سید بن طاووس تصادفا در این کتبی که ما داریم مثل جواهر و دیگران ، آقای حکیم و آقای خوئی متعرض این تاریخ این جدول نشدند .

یکی از حضار : آقای شهیدی اول می گوید لا عبرة بالجدول ثم اتمم العمرة

آیت الله مددی : نه اینکه این جدول چه بوده اصلا .

مثلا فرض کنید همیشه شما یک راه دیگر هم اضافه کردند ماه رجب و شعبان را ۵۹ روز حساب کنید این خوب همان جدول است دیگر می گوید ماه رجب و شعبان ، یکی از راه ها هم این است ماه رجب و شعبان را دائما ۵۹ روز حساب کنیم شصتم را اول ماه رمضان مثل همان جدول است .

عرض کنیم اگر بخواهید علیرضا بیاورد این جدول مبنای کار منجمین بوده مبنای محاسباتی بوده یعنی به عبارت دیگری نوع استاندارد علمی بوده اصلا یعنی رویش محاسبه می کردند یک کتابی هست تاریخ ۱۵۰۰ ساله تاریخ تطبیقی ۱۵۰۰ ساله بین سال های شمسی و قمری رستفیلد آلمانی ، من دارم این را الان اینجا هست اگر بخواهید . آن همین جدول است دائما نوشته محرم ۳۰ روز صفر ۲۹ روز و ماه رمضان ۳۰ روز این جدول هست این جدول از قدیم بوده و در کتاب فرج المهموم یا فرج المهموم برای سید بن طاووس چون تا زمان سید بن طاووس بیشتر تفکر این بود که علم نجوم و اینها حرام است مثلا منجم کافر کاهن ، ایشان می خواهد اثبات بکند که منجم حرام نیست نسبت است .

منجم این است که محاسبات نجومی می کند که مثلا چه وقت قران است چه وقت اقتران است چه وقت شمس دور می شود چه وقت نزدیک می شود مثلا اما نسبت اینها را به خود طبیعت نمی دهد اگر نسبت به طبیعت دادیم کفر است و الا اگر نسبت به خدا بدهد که کفر ندارد که این فرج المهموم را ایشان برای این جهت نوشتند مرحوم سید بن طاووس کتاب قشنگی هم هست قضایای قشنگی هم دارد انصافا قضایای قشنگی در اثبات اینکه بعضی از این حرف ، ایشان جدول را به معاویه بن عبدالله بن جعفر نسبت می دهد ندیدم جای دیگر ایشان نسبت می دهد این معاویه نوهی حضرت زینب است چون عبدالله بن جعفر شوهر حضرت زینب است عبدالله پسر جعفر بن ابی طالب ، ایشان این مقاله را این جدول را به ایشان نسبت می دهد که این جدول را ایشان آورده است .

اما این مطلب که ماه رمضان دائما ثلاثون یوم چون آن در بعد از ، آن قبل است اما قبل از سید بن طاووس این را ابو ریحان بیرونی هم به امام صادق به شیعه نسبت می دهد و لذا الان معروف شده در کتب فعلی الآثار الباقیه من هم دارم الآثار الباقیه که شیعه نسبت دادند به جعفر

بن محمد که ماه رمضان ثلاثون یوم دائما بعد می گوید و این علمای شیعه اشتباه کردند جعفر بن محمد امام من ائمة الاسلام امام بزرگی است می داند ماه رمضان ۲۹ می شود ۳۰ می شود ، خیلی عجیب است ها دفاع می کند ایشان از امام صادق .

من هم این مطلب را از آقای سیستانی شنیدم تقریبا شاید در حوزه های ما مثلا نجف هم یکی دو نفر دیگر برداشتند نقل کردند از ایشان نقل کردند من خودم در الآثار الباقیه دیدم عن القرون الخالیه این مطلب ایشان را دیدم ، این مطلب اگر باشد ایشان چون چهارصد و خورده ای است وفاتش احتمالا از همان سال های دویست و خورده ای که جدول وارد دنیای اسلام می شود عده ای سعی کردند این را نسبت به امام صادق بدهند لذا ایشان دفاع می کند و من عرض کردم این آقای خدا حفظش کند این آقای ایرانی همین میراث مکتوب نه آثار باقیه یک کتاب ، مجله ای ، فصل نامه داشت به نام گزارش ویژه اگر یادتان باشد .

یکی از حضار : کنار میراث مکتوب .

آیت الله مددی : اها ، نمی دانم الان چاپ می شود یا نه فکر نمی کنم .

یکی از حضار : میراث مکتوب چاپ می شود ولی گزارش ویژه هم گاهی مرتب نه گاهی .

آیت الله مددی : اها گاهی .

آن وقت در این گزارش ویژه گاهی نامی از نسخ خطی می برد که مثلا خیلی نفیس است منحصر به فرد است چاپ نشده یک نسخه ای را ایشان در آنجا در گزارش ویژه از استاد ابوریحان بیرونی که او هم اهل همان جاست خوارزم و ماوراء النهر است اسم او الان در ذهنم نیست ،

یکی از حضار : ابو معشر بلخی و اینها نبودند ؟

آیت الله مددی : نه نه ، معشر که برای بلخ است نه برای همان بیرون ، بیرون برای همان ماوراء النهر است بلخ این طرف است برای خراسان است برای ایران است به اصطلاح الان هم افغانستان . نه ابو معشر نه .

برای یک استادی است که خیلی هم مشهور نیست من هم اسمش الان در ذهنم نیست ایشان می گوید این کتاب یک نسخه ی منحصر به فرد دارد یک نسخه ی خطی دارد اسم آن آقا را می برد این قبل از ابوریحان است این شخص قبل از ابوریحان است در ماوراء النهر اسمش در ذهنم نیست استاد ابو ریحان هم هست و قبل از ابوریحان است ، در آن جا می گوید که این یک کتاب نسخه ی خطی حالا یادم رفته آدرس نسخه اش هم کجا داده اند است سند است ترکیه است کجاست ، یک نسخه ی خطی دارد این نسخه هم منحصر به فرد است و تا حالا هم چاپ نشده ایشان به این عنوان .

آن وقت در آن جامی گوید یک مطلبی را از این نسخه‌ی خطی نقل بکنیم همین مطلب را نقل می‌کند از استاد ابو ریحان، همین مطلب را عرض کردم الان در مثلاً نجف یک چند نفری به تبع آقای سیستانی سعی می‌کنند از همان ابوریحان نقل بکنند لکن من دیدم قبل از ابوریحان داشت همین مطلب که در شیعه نسبت دادند علمای شیعه به جعفر بن محمد که ماه رمضان دائماً ثلاثون یوم است و لکن درست نیست این چون امام صادق امام من ائمة الاسلام و چنین مطلبی نمی‌گوید ماه رمضان مثل بقیه‌ی شهر است شهر کبکیة الشهور کم و زیاد دارد این را غرض من پیدا کردم در آثار قبل از ابو ریحان.

چون یک مطلبی بود که آقای سیستانی مثلاً می‌گفت این مطلب را ابو ریحان نوشته شیخ مفید هم اول عقیده‌اش این بود که دائماً ثلاثون یوم بعد برگشت حالا خود ابو ریحان وفاتش بعد از شیخ مفید من می‌دانم ۴۲۸ است ابو ریحان مفید ۴۱۳ است وفات یکی از حضار: ابو ریحان ۴۴۰ است.

آیت الله مددی: دیگر بدتر من خیال می‌کردم ۴۲۸ است، ۴۲۸ ابو علی سیناست اشتباه کردم با او.

علی ای حال آخر ما بعضی وقت‌ها شوخی می‌کردیم با رفقا که ابو علی سینا متولد ۳۷۰ است متوفای ۴۲۸ من هم متولد ۱۳۷۰ هستم هزار سال بعد از ایشان اما فعلاً یک چند سالی از ایشان رد کردیم در تولدش، آن شاعر گفت به هر الفی الف قدی براید من آن الفم که در الف آمدستم غرض که تولد من ۱۳۷۰ است ایشان ۳۷۰ است درست هزار سال بعد از ایشان.

علی ای حال این هم برای شوخی مسائل و این قضایا. علی ای حال آن وقت این یک مقداری مستبعد بود که مثلاً شخصی که ۴۴۰ حالا من ۴۴۰ در ذهنم نبود ۴۴۰ وفاتش باشد شیخ مفید که ۴۱۳ است متأثر به ایشان باشد من به ذهنم آمد نه متأثر به استادش است. یکی از حضار: عبارت آثار باقیه را پیدا کردم.

آیت الله مددی: بله، دارم من هم دارم خود آثار را.

یکی از حضار: می‌گوید الجدول المصحح، فراز فراز که شده فراز شماره‌ی ۸۰ می‌شود می‌گوید که یک توضیحاتی می‌دهد قبل‌تر می‌گوید انتهى وهذا هو الجدول المصحح بعد می‌گوید وقد وجدت عند احمد بن محمد بن شهاب و كان احد المعدودين من اصحاب الجزاير و كبار الدعاء جدولاً زعم ان العمل به

آیت الله مددی: شاید كبار الدعاء باشد شاید

یکی از حضار: بله كبار الدعاء نوشته كبار الدعاء

آیت الله مددی: اسماعیلی ها شاید از این گرفته چون ها دعوات اسماعیلی شاید ایشان از اسماعیلی ها گرفته چون جزایر و شمال آفریقا برای اسماعیلی هاست شاید ایشان از آن آقای چیز گفته اما من در کتاب فرج الهموم دیدم خیلی قبل از این است، خیلی قبل از این است این قصه ی جدول خیلی قبل از این است. بفرمایید، شاید مرحوم آقای شیخ شعرانی از او گرفته است لکن خیلی بعید است چون در روایت امام صادق آمده و اصرار دارد که ثلاثین

خود من هم اسم نمی برم چون شاید بگوید اعتباری بشناسید یک آقای خیلی مرد واقعا مرد پاک و منزّه و خیلی اهل سیر و سلوک هم بود خیلی سیر و سلوک صحیح البته خیلی مرد فوق العاده ای بود معتقد به این بود گاهی اوقات می رفتیم آنجا گاهی می گفتند این دیگر خیلی شهادت زیاد دادند ۲۹ روز را اعتناء نمی کرد ۳۰ روز روزه می گرفت اصلا می گفتیم آقا چند نفر شهادت در ایران که دیدند خیلی مالی نمی دانست.

بله البته یک فتوای دیگر هم هست این احتمال دارد با آن باشد یک روایتی هست این حالا من در بحث هلال مگر توضیح بدهم یک روایتی هست این بحثش یک نکته ی فنی دارد اذا راه واحد راه خمسون و اذا راه این می خواهد بگوید الان در اصطلاح الان این مراکز رصد هلال در سطح بین المللی که می دهند این تصاویری که می دهند و نقشه ها را هم که می دهند در تصویرشان این است که اگر روشنایی هلال شصت و شش صدم یک درجه رو به ما باشد قابلیت رویت دارد این روایت می خواهد بگوید نه این قابلیت رویت فرض کنید برای یک نفر دو نفر پنج نفر این باید به یک مقداری باشد که همه ببینند یعنی باید نزدیک به یک درجه هم بیشتر یعنی یک بحث، آن بحث دیگری است اصلا آن می گوید رویت هلال و صوموا لرؤيته وافطروا لرؤيته یعنی کاملا باید هلال روشن و واضح باشد همه ببینند یکی بگوید من دیدم ده نفر دیگر بگویند ندیدم آن به درد نمی خورد باید همه این یک مبنای دیگر با این خلط نشود. حالا در بحث هلال گفتیم به آن آقا که به آقای مختاری هم عرض می کنیم آنجا توضیحاتش را عرض می کنیم.

اصحاب به این طائفه از روایات عمل نکردند اما دیدم بعضی ها تمایل داشتند می گفتند بعید نیست ما به این طایفه عمل کنیم.

یکی از حضار: ببخشید چون این عبارت بد جور چاپ شده است.

آیت الله مددی: بخوانید آثار باقیه را.

یکی از حضار: بله و می گوید و کبار الدعوات جدولا زعم ان العمل به ان یؤخذ سن الهجرة التامة جمع السنة ویزاد علیه اربعة ویطرح ما اشتمل ثمانية ثمانية همین طور می گوید و جوه را بعد می گوید و هذا هو جدول یعنی می گوید و بعد می گوید و هذا هو جدول اوائل الشهور العربية و هو لعمری مستخرج من هذا الجدول المجرد ایضا لو تأمل متأمل.

آیت الله مددی: آن یک جدول دیگر نجومی است غیر از این است بله بفرمایید.

یکی از حضار: بعد یک مقدار می آید جلو تر می گوید که بعد می آید اشکالش را می گیرد می گوید که فحیثئذ یضطرب اضطرابا فاحشا و ذکر هذا الداعی المموه ان الجدول من عمل جعفر بن محمد الصادق علیه السلام حین اعلم زعم بما کان الناس فیه یک مقدار عبارت اینجا چاپ این طوری شده خود نسخه محقق هم اشاره کرده کلمات اینجا چیز دارد من الخلاف و الشک فی هلال رمضان فقال زعم والذي بعث محمدا صلی الله علیه وآله بالحق نبیا ما فارق امته حتی افضی الینا ما کان و ما یكون الى آخر الدنيا و اقل ذلك علم الصوم فی کل سنة و فی کل یوم منها و انه کان یقول ما تم شعبان قط ولا نقص رمضان من ثلاثین یوما ولقد افتری هذا الظالم علی ذلك السید العالم افضل اشراف واعلم الائمة صلوات الله علی ذکرهم

آیت الله مددی: خیلی تعبیر است.

یکی از حضار: حیث اضاف الیهم شیئا غیر جائز فی دین جدہ

آیت الله مددی: اما به نظرم شیعه نسبت می دهد می گوید علمای شیعه شاید جای دیگر آن را گفته.

یکی از حضار: وقد قام البرهان علی صحة ضده وکان ذلك الامام الورع ابعده من ان یتلوث باقاویل انصار هؤلاء

آیت الله مددی: خیلی عجیب است، خیلی عجیب است چطور دفاع می کند از امام صادق خیلی عجیب است.

یکی از حضار: جعفر بن محمد یک بار اسم برده شده است.

آیت الله مددی: خیلی عجیب است اما انصافا چقدر اینها منصف بودند چقدر مردمان با انصافی بودند.

علی ای حال این را ما بحثش، آن وقت این بحث جدول در قرن سوم، قرن چهارم تقریبا جا می افتد خیلی شدید حالا عبارت فرج المهموم را بیاور تا آن بگوید این جدول که قرار دارد، چون این عبارت فرج المهموم من در جای دیگر ندیدم از این جهت دائما می گویم بیاورد ایشان می گوید این برای این نیست برای عبدالله بن معاویه، معاویه بن عبدالله بن جعفر حالا شاید پسر معاویه باشد عبدالله بن معاویه ونسبه الى الصادق علیه السلام.

یکی از حضار: چون نسبش به امام صادق می رسد گفته، نسبت به امام صادق، چون نسبش به

آیت الله مددی: نه به حضرت زینب می رسد به امام صادق نمی رسد. نسبش می رسد به عبدالله پسر جعفر طیار، عبدالله بن جعفر طیار پسر عموی حضرت زینب. اینها را اصطلاحا در بحث انساب سادات می گویند سادات زینبی اینهایی که طرف مادرشان به حضرت زینب

است به اینها سادات زینی می گویند جعفری هم می گویند اما زینی هم به اینها می گویند جعفری هم چرا به اینها می گویند . به اعتبار جعفر بن عبدالله ، جعفر بن ابی طالب پسر ابو طالب بفرمایید . پیدا نشد در فرج المهموم ؟

یکی از حضار: فرج المهموم

آیت الله مددی: شاید در سعد السعود آورده متفرقه یا در سعد السعود است این سعد السعود ایشان خیلی کتاب ، این هم چاپ شده محققانه من ندارم اگر بیاورید بینم من خیلی کتاب نافع است ، فوق العاده نمی دانم توانستند از پیشش بریایند اما اگر واقعا خیلی آقا ایشان تکه تکه از کتابها و مصادری نقل می کند که بسیار با ارزش است بسیار با ارزش است و قدر این کتاب شناخته نشده است .

یکی از حضار: معاویه بن چه فرمودید ؟

آیت الله مددی: عبدالله بن جعفر ، کلمه ی جدول هم بیاورید به نظرم در بیاید .

یکی از حضار: ابن طاووس آن کتاب براء الساعة زکریای رازی را در الامال چاپ آورده کل براء الساعة محمد زکریای رازی را

آیت الله مددی: ندیدم من در الامال من یادم نمی آید

یکی از حضار: چرا در فصل یازدهم

آیت الله مددی: عجیب من یادم نمی آید اصلا براء الساعة را یک چاپی کردند با ترجمه ی فارسی چاپ خوبی نیست ، من براء الساعة چاپ عربی محقق ندارم یک چاپی است نمی دانم مجلس شورا ترجمه ی فارسی مالی نیست نه . بعدش هم خیلی مفهوم نیست عبارات ایشان چون محمد بن زکریای رازی خوب یک طبیب فوق العاده ای است دیگر خیلی چنین از نظر علمی لا اقل من نفهمیدم آن من لا يحضره الطیب ایشان هم ترجمه شده به نظرم همین چیز چاپ کرده مجلس شورا فکر نمی کنم اشتباه کردند بعد هم چون محقق کتاب وارد نبوده حالا من نسخه ی خودم را مرتب کردم آن اوراق را جابجا چیده بودند در خود کتاب این همین جوری چاپ کردند من اوراق را برداشتم معین کردند این صفحه ای که نوشته ۲۷ این باید برود ۵۲ ، ۵۲ باید بیاید این طرف یک مقدار من آن نسخه ی خودم را من لا يحضره الطیبی را که ایشان نوشته این را مرتب کردم من فکر نمی کنم این ترجمه ی آن باشد .

او می گوید و محمد بن زکریای رازی گوید یعنی از عبارات این کتاب مستقل است این که من دیدم به نظرم مستقل است اما بد نیست اما ترجمه ی آن نیست خود من لا يحضره الطیب عربی را هم ندارم نمی دانم اصل کتاب در عربی چطوری بوده آن را ندارم .

یکی از حضار: این اقبال یک اشاره ای به این ماجرا دارد .

آیت الله مددی: بفرمایید .

یکی از حضار: می گوید که اقوال و روایت روایتین احدهما عن عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب وهو يتضمن شرح

طویل نحو کراسین فلا نطیل بذکره رواه عن الصادق علیه السلام فی معرفة اول الشهور بالحساب

آیت الله مددی: همین است بالحساب جدول است.

لذا این یک نوع محاسبات بوده بالحساب این یک نوع محاسبات بوده است. مثل اینکه رستفیلد هم روی همین اساس تقویمش را نوشته

است، پس این عبدالله گفتم عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر است، می گوید ایشان این را نوشته و نسبت به امام صادق داده حالا

در این روایتی که ما داریم این اسم نیست اصلا یکی از کارهای خیلی مشکل این یک کار فنی است که.

یکی از حضار: ...

آیت الله مددی: عبدالله بن معاویه.

یکی از حضار: ...

آیت الله مددی: نه هست عبدالله بن معاویه به نظرم قبرش هم ما می رفتیم به طرف کربلا یک جایی می رسیدیم می گفتند قبر عبدالله بن

معاویه بن عبدالله به نظرم در ذهنم این طور است به عنوان قبر ایشان آن جا بود عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر، شخصیتی هم

هست به نظرم قبرش در راه کربلا یا من رفتم مثلا حمزه و قاسم آن جا دیدم.

یکی از حضار: جزو ائمه ی کیسانیه بوده بعد از محمد بن حنفیه

آیت الله مددی: نشنیدم.

یکی از حضار: این را در قاضی نعمان می گوید که بعد از امامت محمد بن حنفیه می گوید ثم اختلفوا فيه وفي من بعده فزعمت فرقة كما

ذكرنا انه حتى لم يمت وقال فرقة بل مات وكذا وقال اخرون بل مات فلان بعد می گوید فزعمت فرقة اخرى منه ان ابا هاشم که ابنش بوده

مات واوصى لعبدالله بن معاوية بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب وهو غلام صغير.

آیت الله مددی: بعید نیست علی ای حال به طور کلی بعد از قیام زید در سال ۱۲۱ در کوفه مخصوصا شیعه ها حرف های مفت زیاد رواج

پیدا کرد. یکی وصیت ابو هاشم است که ابو هاشم وصیت کرد امامت را به ابراهیم امام اسم این هست ابو هاشم اسمش زیاد است یکی

هم دارد که نه به ایشان وصیت کرد چون این از سال ۱۲۱ تا ۱۳۲ که ابوالعباس سفاح سرکار آمد خیلی صحبت بود که چه کسی مثلا به

جای بنی امیه بیاید چه کسی این صلاحیت را دارد که بتواند به جای بنی امیه خلافت بکند یکی از آنها حرف آن آقا بود حالا می گوید ایشان

اما راجع به کیسانیه عرض کردم انصافا برای ما روشن نیست اصلا چیزی به نام کیسانیه داشته باشیم اصلا روشن نیست.

می گویند کیسان یک شخصی بوده از اهواز ، خوزستان ایرانی الاصل بوده ایشان همراه با مختار بوده مختار بن ابی عبیده ثقفی و اینها می فهمیدند که فلان خانه در لشکر عمر سعد بودند در روز عاشوراء این یک چند نفری مثل خودش جلاد جمع کرد می رفتند به آن خانه حمله می کردند همه را می کشتند بدون استثناء حتی بچه ی یک روزه مثلاً کیسانی ها را به این کیسان می گویند نمی دانم راست است یا دروغ است از این دروغ ها ، دروغ در تاریخ زیاد است علی ای حال .

من خود کیسانیه برایم واضح نیست اصلاً این که اصلاً محمد حنفیه مدعی مهدویت بوده و بعدش چه بوده و این ابو هاشم پسرش به چه کسی وصیت کرده این خیلی کسی این قسمت تاریخ را نگاه بکند و یکی از مشکلات امام صادق هم همین زمان است ، چون یک حالت حرکت و هیجانی در مردم پیدا شده بود اینها می خواستند امام صادق هم بیاید وسط میدان و به عهده بگیرد مثلاً مبارزه ی با بنی امیه را و امام هم نمی خواستند این کار را بکنند این خط غلو سیاسی ما در حقیقت توضیح دادیم این اصلش مثلاً می گویند که جابر موسس است ۱۲۸ وفاتش است این همین زمان است یعنی این زمان بین ۱۲۱ تا ۱۳۲ این زمان تا کار به بنی عباس رسید البته بعد از اینکه کار هم به بنی عباس رسید عده ای باز مثل مفضل و ابوالخطاب تصور می کردند که ما می توانیم هنوز بنی عباس قوی نشدند بنی عباس را از بین ببریم امام صادق را بیاوریم این غلو سیاسی که من می گویم مرادم این است دقت می کنید ؟

با حرکت مسلحانه ای که ابوالخطاب انجام داد اینها تصور کردند که کار را می توانند به امام صادق ارجاع بدهند امام صادق هم به هیچ وجه حاضر نبود با اینها همکاری بکند حتی لعن هم می کرد ابوالخطاب را کارا حضرت لعن می فرمودند که این مثلاً حتی جوری شده که من در مدینه در رختخواب خودم خواب آرام ندارم جای آرام ندارم الی آخر صحبت هایی که هست .

حالا به هر حال ببینید آقای خوئی چیزی دارد راجع به ایشان نه قاموس نگاه کنید القاموس داشته باشد قاموس بیشتر دارد قاموس مرحوم تستری را نگاه کنید حالا ما نمی خواستیم وارد عبدالله بشویم .

یکی از حضار : شیخ در رجال در اصحاب ابی عبدالله هم آورده ایشان را بدون هیچ توضیح اضافه ای .

آیت الله مددی : بله می دانم اما نه قاموس ببینید چه دارد راجع به ایشان دیگر نمی خواستیم وارد شویم .

این شخص این حساب را که محاسبات آن زمان بود یعنی مثل محاسبات زمان ما مثل محاسباتی که منجمین داشتند آن وقت من یک وقتی این مطلب را با یک کسی صحبت کردم از شاگردان آقای حسن زاده بود گفت آقای حسن زاده اعتقادش بود که این جدول واقعی نیست این شبه استاندارد بوده یعنی یک جدول عمومی است که اگر ، اما نه اینکه دقیقاً این ماه ۲۹ است این ماه ۳۰ روز است ایشان نقل کردند .

من به نظرم این مطلب را در یک کتاب دیگر هم که در نجوم قدیم بود یا به یک مناسبتی یا در آثار باقیه جای دیگر دیدم که این جدول مثل یک مسطره است مثل یک خط ، چوب خط است مثلاً الگوست ، نه اینکه واقعاً یک ماه ۲۹ روز است یک ماه ۳۰ روز است این طور که ایشان آن شاگرد آقای حسن زاده برای من نقل کرد البته به هر حال مطلب ایشان درست است یعنی این مطلب من هم نگاه کردم جای دیگر نگاه کردم که این اصلاً اعتقاد منجمین نبوده لکن در شیعه که آمد این را واقع گرفتند مشکل این شد . در میان شیعیان این را به عنوان یک واقعیت گرفتند و طبق این حساب کردند لذا طبق این حساب ماه رمضان دائماً ۳۰ روز می شد ، این هست چرا ، بیاورید عبدالله را . یکی از حضار: فقط احوال شخصیه اش را گفتند و چیزی هم کم نگذاشتند ورد فی عبدالله بن حارث این مدخل ۴۵۳۹ حبسه ابو مسلم ثم قتله وفي المقاتل

آیت الله مددی: این ببینید حبسه یعنی ادعا می کرد چون این در مقابل بنی عباس بود می گفتند ابو هاشم به این وصیت کرده این بناست خلیفه بشود . ابو مسلم که داشت دعوت می کرد برای سفاح و منصور این را به عنوان این که عده ای می خواهند به جای بنی امیه خلیفه کنند کارش را ساخت که این وصیت ابو هاشم هم فاتحه اش خوانده شد بفرمایید .

یکی از حضار: فی المقاتل کان فارساً جواداً شاعراً لکن کان سیئ السیرة ردیئ المذهب خرج ودعی الی نفسه لا الی الرضا من آل محمد علیهم السلام ویستظهر بمن یرمی الی الزندقة فکان کاتبه عمارة بن حمزة ال

آیت الله مددی: این عماره بن حمزه از متهمین به زندقه است

یکی از حضار: المرمی بالزندقة وکان احد ندیمیه مطیع بن ایاز الذی کان زندیقاً

آیت الله مددی: آن مطیع بن ایاز که هم شاعر است و هم خیلی آدم کثیفی است غرض این دور و برش یک مشت از این فسقه و فجره دورش جمع بودند آن وقت در آن زمان حتی در روایت دارد که زید هم کان یدعوا الی الرضا من آل محمد ایشان می گوید نه کان یدعوا الی نفسه نه الی الرضا من آل محمد و توضیح از این کلمه الی الرضا من آل محمد یعنی شخصی را که آل محمد انتخاب بکنند یک انتخابات بگذاریم آل محمد چون این بحثی بود که اگر بنا بشود بنی امیه برود چه کسی به جای او بیاوریم مثلاً یکی از بحث ها این بود که عامه ی مسلمین مثل همین الان رای گیری در همه ی شهرهای اسلامی یک رای این بود که برویم سقیفه ی بنی ساعده آنجا بچه های انصار و مهاجرین آنهایی که آن جا بودند نوه های آنها بیایند آنجا یک رای هم این بود چند تا رای مطرح بود که ما چه کار بکنیم که حالا بعد از بنی امیه خلیفه

یکی از رای ها این بود که خصوص آل محمد یک نفر را انتخاب بکنند ، نه مهاجرین و انصار و مدینه و فلان نه اهل حل و عقد خصوص آل محمد جمع بشوند رای بدهند یک نفر را انتخاب بکنند این با او مردم بیعت بکنند به عنوان خلیفه ی مسلمین ایشان می گوید این عقیده را نداشت خودش را خلیفه می دانست لکن یک مشت از این فسقه و فجرة و زنادقه را دور و بر خودش جمع کرده بود بفرمایید این مطیع بن ایاز که مرد خبیثی است بله .

یکی از حضار: دیگر اینکه هر کسی در کنارش بوده را اسم می برد و بعد می گوید که فکان هو یغضب علی شخص فیامر بالجلد والتغافل عنه

آیت الله مددی: چه آقا؟ وکان چه؟

یکی از حضار: یغضب علی، وکان هو یغضب علی شخص

آیت الله مددی: وکان اذا یغضب علی

یکی از حضار: وکان له صاحب شرطة دهری کان

آیت الله مددی: البته صحیحش دُهری است دَهر نسبت به دهر، دُهری می گویند علی خلاف القاعدة مثل قبط نسبت به قبط می گویند قُبطی، یک عده ای هستند نسبتش خلاف قاعده است به کسی که به دهر ایمان دارد یعنی ایمان به خدا ندارد اصلاً بله مادی صرف است دُهری کان دُهریا ضبطش دُهری است. آن هم ضبطش قُبطی است مثل ماریه ی قُبطیه

یکی از حضار: بله کان یعس بالیل

آیت الله مددی: آن وقت یک صاحب پلیس هم داشت که افراد را مثلاً تا می گفت کله پا می کرد دیگر زود این آن هم بی دین بود هیچ اعتقاد به خدا و پیغمبر و اینها نداشت یک فرد این جوری را مامور پلیس خودش گذاشته بود مامور حفاظت و ... بله

یکی از حضار: می گوید همه را می کشته خلاصه همین. دیگر احوال این آقا تمام شد دیگر چیز خاصی در موردش ایشان نمی گوید. آقای خوئی هم که فرموده بودید

آیت الله مددی: آن وقت مرحوم سید بن طاووس می گوید یک جدول نوشت این جدول را به امام صادق نسبت داد، می گویم این کسی دیگر قبل از سید بن طاووس ندیدم من این ربطی به آن موردی که ابو ریحان گفته ندارد، این خیلی قبل از آن است ملتفت شدید چه می خواهم بگویم این جدول را ایشان می نویسد به امام صادق نسبت می دهد اما در روایات ما اسمش نیست خوب معلوم است این اوصافی

که دارد روایت ما از این نقل نمی کردند این نکته را اگر آقایان در نظر گرفته بودند خیلی می توانست کارساز باشد ، خیلی خوب این تا این جا این نکته .

مرحوم شیخ مفید می گویند در اول معتقد بوده که ماه رمضان تمام است مثل بقیه ی قرن چهارم بعد کتابی هم نوشته لمح البرهان فی عدد شهر رمضان ، عدم النقصان ، لمح البرهان . نجاشی یک جا از این کتاب نقل می کند آن کتاب را فعلا نداریم در اختیار ما نیست البته قبل از ایشان صدوق آورده این روایت را آورده به نظرم در کافی هم باب نوادر است یا خود کافی در صدوق هم شاید باب نوادر صدوق مفصل آورده روایت را و می گویند مرحوم مثل ابن قولویه و اینها عده ای می گویند در قرن چهارم معتقد به این مبنا بودند و بعد که ابو ریحان ، ایشان می گوید بعد که ابو ریحان این مطلب را گفت بعید است ابو ریحان متوفای ۴۴۰ روی شیخ مفید تاثیر بگذارد ، من نظرم این است که منجمین که استاد ابو ریحان بودند در ماوراء النهر بودند آنها این مطلب را گفتند اصل مطلب از آنجا بوده است .

حالا به هر حال شیخ مفید برگشت بعد اهل موصل از ایشان سوالاتی کردند ایشان جواب داد باز مثل اینکه شک کردند که آیا ایشان واقعا برگشته است یا نه دو مرتبه اسمش شد الرسالة العددیة ، این رساله ی عددیه را هم اسمش را تا آنجایی که من می دانم نسبت کلی نمی دهم اولین کسی که این اسم را گذاشت مرحوم صاحب مستدرک این رساله در کتاب الدر المنثور نوهی شهید ثانی پسر صاحب معالم ایشان می گوید دو تا رساله نزد من هست خطی هستند و در شرف تلف هستند من این دو تا را می آورم و فکر می کنم برای شیخ صدوق باشد برای شیخ مفید باشد و اعتماد داده می شود برای سید مرتضی باشد لکن می گوید به شیخ مفید غرض ایشان با تردید می آورد بعدها مرحوم صاحب مستدرک از این رساله تعبیر می کند الرسالة العددیة آقای خوئی هم در معجم همین جور می گوید رساله ی عددیه مرادش همین کتاب است این رساله ای است که هست در حقیقت این رساله همین طور که نجاشی اسمش را آورده جوابات اهل الموصل الثانية چون در اولش می گوید که و اما ما سالتم سوال ، کتبت الیکم بعد شما باز سوال کردید این جوابات اهل الموصل الثانية این رساله ی جوابات اهل الموصل الثانية است .

حالا برای شیخ مفید را بخوانید شیخ مفید یک کمی تند تر ، شیخ مفید در اینجا وقتی می خواهد وارد بحث بشود راجع به روایاتی که می گوید ماه رمضان تمام است و راجع به روایاتی که می گوید ماه رمضان کبکیة الشهور بحث سندی می کند تمام بحث ما امشب اینجا بود بیاورید شما رساله ی عددیه را می گوید این کسانی که گفتند ماه رمضان تام است اینها ضعاف هستند آن وقت یک لیستی از اینها را می آورد .

محمد بن سنان و فلان اسم اینها را می برد ، بیاورید اسم عبدالله بن معاویه بن جعفر هم نیست این خیلی ، همان اوائلش است .

یکی از حضار : جواب اهل الموصل فی العدد والرؤية به این اسم شاید ثبت شده است .

آیت الله مددی: جوابات اهل الموصل الثانية فی العدد والرؤية .

آن وقت در آنجا در حقیقت آمدند بحث را ما بین عدد و رؤیت مثل اینکه ما الان می گوئیم باید بحث بین رؤیت و محاسبه باشد اختلاف افق و اینها نیست آنها بین عدد ، عدد هم در آن زمان در حقیقت همین محاسبات امروز ماست همین نجومی است که الان ما داریم در محاسبات نجومی شان این طور حساب کردند ماه محرم تمام بعدش همین طور می رود تا ماه شعبان ناقص و ماه رمضان تمام بیاورید حالا عبارت شیخ مفید را .

یکی از حضار: عبارتشان آن که چاپ شده در مجموعه موسوعه است به نام جوابات اهل الموصل چاپ شده فصل واما ما تعلق به اصحاب العدد فی ان شهر رمضان لا يكون اقل من ثلاثين يوما فهي احادیث شاذة قطعن نقاد الاثار من الشيعة فی سندها .

آیت الله مددی: ببینید بحث سندی می کند ، حالا این نشان می دهد که ما چون همیشه به شیخ طوسی اشکال ، احتمالا از اواخر قرن چهارم بحث های سندی مثل اهل سنت در شیعه می آید مثل شیخ مفید که قبل از شیخ طوسی . یعنی همان راهی که اهل سنت رفتند حالا آیا جهتش چه بوده چون من چند دفعه عرض کردم زیدی ها تا حدود قرن چهارم در کوفه بودند و آثار حدیثی خوبی دارند محدثین بسیار بزرگی مثل ابن عقده دارند انصافا از قرن چهارم چون گفته شده آل بویه در حقیقت زیدی بودند اینها به بغداد می آیند در بغداد تمایلات کلامی دارند بیشتر خیلی در مسائل کلامی ، و گفته شده که مرحوم شیخ مفید هم تقاربی با مکتب این مطلب را میزان الاعتدال دارد در سال نوشته وفی سنة ثلاث مائة وسبعین تقارب الرفض والاعتزال رافضه با معتزله نزدیک شدند این زمان شیخ مفید است .

من چون تا حالا همه اش نسبت به شیخ طوسی می دادیم احتمالا از آمدن بحث های کلامی و طبیعتا اصولی که اهل زیدیه مطرح کردند این به شیعه هم سرایت کرد توسط شیخ مفید بعد توسط شیخ طوسی بارور شد ، بعد توسط علامه مرتب شد سر و ته پیدا کرد نظم و نسق پیدا کرد ولذا ما غالبا در بحث هایمان به شیخ طوسی می گوئیم که ایشان حجت تعبدی را آورد احتمالا شیخ مفید تاثیر داشته چون اگر این سال ۳۷۰ که ایشان می گوید چیزی نزدیک به ۴۰ سال بعد از آمدن زیدی ها به بغداد است آنها ۳۳۴ وارد بغداد شدند آل بویه و این ها در بغداد بودند و عنوان داشتند و متکلم بودند همین استاد معروف ابن ابی الحديد جعفر نقیب زیدی است دیگر ایشان تا حمله ی مغول قرن هفتم بعد دیگر رفتند یمن کلا از دنیای اسلام منقطع هستند ، من آن شب یک اشاره ای شما هم بودید به سید عبدالله ... کردم کلا از دنیای اسلام منقطع شدند . تا قرن چهارم در حدیث تاثیر گذار بودند از قرن چهارم تا قرن هفتم در کلام تاثیر گذارند از قرن هفتم که دیگر بغداد به هم می خورد این ها می روند یمن دیگر در دنیای اسلام لذا من حرفم می خواستم البته نشد دیگر آن شب بگوئیم حرفم به سید عبدالله این بود که ای کاش شما به جای این کارهای عجیب و غریب و نمی دانم کشتی بدزدید و فلان و اینها به جای این کارها اول سعی کنید خود دولتتان

.....
را در دنیا قبول بکنند چون هنوز دولت یمن را کسی قبول نکرد دولت صنعا را کسی قبول نکرد الا ایران که می گوید سفیر نمی دانم حالا سفیر کشکی گذاشته یا واقعی است نمی دانم ، شما را هنوز رسماً دولت نمی دانند گفتم اگر بشود شما اگر یادتان باشد که کتاب هایتان را پخش کنید در دنیای اسلام باز کم کم به دنیای اسلام برگردید ، گفت المحيط را در بیروت چاپ کردم آن شب شما بودید ، گفت المحيط را چاپ کردم در ده جلد ، خودش هم فهمید زود گفتم غرض اگر بشود ، ملتفت شدید مراد من چیست یعنی شما یک چند قرنی از دنیای اسلام منقطع شدید الان هم منقطع هستید الان در دنیای اسلام آن که قبول دارند دولت عدن است جنوب یمن جنوبی .

در همین کنفرانس اسلامی که به خاطر غزه رفتند اینها نداشتند نماینده نداشتند حالا ایران شرکت کرد اما مثلاً راجع به مسأله فلسطین اصلاً مثلاً فرض کنید غزه نماینده نداشت نماینده ی کرانه ی باختری بود همان ابو مازن بود دیگر عباس چیست ؟ آن چیست فلان عباس . غرض آن بود دقت می کنید چون او را قبول دارند رسماً اصلاً نوشته بود جلوی دولت فلسطین او را به عنوان دولت فلسطین قبول داشتند که تصادفاً که جمهوری و اینها با او ملاقات لا اقل نشان ندادند اگر هم ملاقاتی بوده خصوصی ما خبر نداشتیم اما با او ملاقاتی نداشت تصادفاً دقت می کنید این که رسماً

بینید دو تا مطلب است آیا این مطلب صحیح یا نه خوب صحیح نیست دنیای سیاست همین ، آقای بنایی می دانند چقدر باطل در دنیای سیاست هست این امرش واضح است اما این چیزی که درست کردند این مسخره بازی این صحنه سازی که درست کردند به این صورت است گفتم شما اول سعی کنید در دنیای اسلام دو مرتبه جا باز کنید ، حالا این من احتمال می دهم این مطلبی را که ما دائماً به شیخ طوسی بلانسبت حمله می کنیم اصلش برای شیخ مفید و وجود آل بویه در بغداد باشد ، اصلاً بله آقا ؟

یکی از حضار: سندیا و یک انتقال دیگری که به شیخ چیز می کند همین است می گوید والذی رواه ابو جعفر رحمه الله فلیس یجب العمل بجمیعه اذ لم یکن ثابتاً من الطرق التي تعلق بها قول الائمة علیهم السلام اذ فی اخبار آحاد لا توجب علم ولا عملاً وروایتی امن یجوز علیه سهو والغلط

آیت الله مددی : برای کیست این ؟

یکی از حضار : این مسائل سرویه شیخ مفید

آیت الله مددی : بله مسائل ، دقت کردید ؟ این است که این را دقت کنید حالا برای ، یعنی رفت

یکی از حضار : همان که معروف است که خبر واحد را قبول ندارد

آیت الله مددی: بله، شیخ مفید آن که ما از این کتاب التذکرة اش فهمیدیم خبر واحد را قبول دارد با قرائن همان حرف محقق سید مرتضی اصلاً قبول ندارد این دو تا را با هم خلط کردند شیخ طوسی هم تقریباً قرائنی را می‌گیرد اما چیز واضح نیست مبنایش معلوم است خبر را قبول دارد شیخ مفید در این کتاب التذکرة فی اصول الفقه ۱۰ صفحه است چقدر است خیلی مختصر است، ایشان با قرائن قبول می‌کند.

یکی از حضار: علم آور هم می‌داند خبر را

آیت الله مددی: خبر واحد را؟

یکی از حضار: خبر واحد با قرائن

آیت الله مددی: بله با قرائن چرا خود خبر واحد

یکی از حضار: یعنی علم آور می‌داند.

آیت الله مددی: بله چون ظن را حجت نمی‌دانستند.

یکی از حاضر: والاخبار الموصلة الى العلم بما ذکرناه ثلاثة اخبار خبر متواتر و خبر واحد معه قرينة تشهد بصدقه و خبر مرسل فی الاسناد يعمل به اهل الحق على الاتفاق.

آیت الله مددی: ببینید این عبارت محقق کل خبر عمل به اصحاب او دلت القرائن علی صحته عین این است. گفت خبر مرسل هم باشد اصحاب اهل حق به آن عمل کردند کافی است روشن شد؟ سید مرتضی خبر صحیح را هم حجت نمی‌داند هیچ خبری را حجت نمی‌داند این مطلبی را که ایشان در تذکره دارد چون این مبانی بزرگان اصحاب ما درست تحلیل نشده ما دائماً مجبوریم در خلال بحث‌هایمان بیاوریم بعید نیست که روشن شد چه می‌خواهم بگویم؟ چون ایشان دارد می‌گوید این روایاتی که آمده شهر رمضان تامّ اینها شاذ و ضعیف اصحاب حالا اسم‌ها را گوش بکنیم بخوانید.

یکی از حضار: فہی احادیث شاذة

آیت الله مددی: احادیث شاذة

یکی از حضار: احادیث شاذة قد طعن نقاد الاثار من الشيعة فی سندھا

آیت الله مددی: ببینید

یکی از حضار: وهی مثبتة فی کتب الصیام فی ابواب النوادر

آیت الله مددی: ببینید

یکی از حضار: والنوادر هی التي لا عمل علیها

آیت الله مددی: خیلی نکته ای است این جای دیگر ما ندیدیم در آن زمان قرن چهارم جایی ندیدیم که نوادر اگر در کافی هست یعنی روایتی که عمل به آن نمی شود این، این ما الان، الان عده ای نقل کردند این مطلب را که نوادر در کافی در فقیه یعنی روایتی که به آن عمل نمی شود تمام سندشان این عبارت مفید است. دقت کردید؟ و هی مثبتة فی باب النوادر و باب النوادر لا عمل علیها بفرمایید اما این نوادر لا عمل علیها بحث فهرستی هم می شود بحث سندی صرف نیست بفرمایید، بفرمایید.

یکی از حضار: فنذكر جملة ما جاءت فی الاحادیث الشاذة وایین عن خلالها وفساد التعلق بها فی خلاف الکافة ان شاء الله تعالی فمن ذلک حدیث رواه محمد بن حسین بن ابی الخطاب عن محمد بن سنان عن حذیفة بن منصور عن ابی عبد الله علیه السلام قال شهر رمضان ثلاثون یوما لا ینقص ابدا وهذا الحدیث شاذ نادر غیر معتمد علیه فیرقه محمد بن سنان وهو مطعون فیہ لا تختلف العصابة فی تهمته وضعفه وما کان هذا سبیله لم یعمل علیه فی الدین بعد روایت بعدی را محمد بن یحیی العطار عن سهل بن زیاد عن محمد بن اسماعیل عن بعض اصحابه عن ابی عبد الله علیه السلام وهذا الحدیث شاذ مجهول الاسناد لو جاء بفضل صدقة او صیام او عمل آیت الله مددی: طرز را ملتفت شدید مستحب، اگر درباره ی این نماز مستحب هم بیاید به آن عمل نمی کنیم چه برسد در باب ماه رمضان فضل صیام یعنی نماز مستحب.

یکی از حضار: چرا مجهول الاسناد بود؟

آیت الله مددی: چون بعد از سهل بن، بعد از محمد بن مسلم مثل اینکه عن بعضهم دارد.

یکی از حضار: عن بعضهم دارد بله.

آیت الله مددی: ارسال داشت.

یکی از حضار: او عمل به لوجب التوقف فیہ فکیف اذا جاء

آیت الله مددی: این که می گویند قدماء به خبر ضعیف عمل می کردند در مستحبات این نشان می دهد که نه، احسنت، احسنت بارک الله

یکی از حضار: فکیف اذا جاء بشیء یخالف فی

آیت الله مددی: بالاخره بعد از چند ماه دیگر کم کم دارید روی ریل می آید که مطالب روشن بشود خیلی این مساله ی مهمی است

بفرمایید.

یکی از حضار: السنة واجماع الامة ولا يصح على حساب ملي ولا ذمي ولا مسلم ولا منجم ومن عول على مثل هذا الحديث في فرائض

الله تعالى فقد ضل ضلالا بعيدا . بعد در معنای روایت بحث می کند

آیت الله مددی : باز یکی دیگر است این ضعاف .

یکی از حضار: فصل ومن ما تعلق به ايضا حديث رواه محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن محمد بن اسماعيل بن بزي عن محمد بن

يعقوب بن شعيب عن ابيه عن ابي عبدالله عليه السلام و هذا الحديث من جنس الاول والطريقة وهو حديث شاذ لا يثبت عند اصحاب

الاثار فقد طعن فيه فقهاء الشيعة بان قالوا محمد بن يعقوب بن شعيب لم يروى عن ابيه حديثا واحدا غير هذا الحديث ولو كانت له رواية

عن ابيه لروى عنه امثال هذا الحديث ولم يقتصر على حديث واحد لم يشركه فيه غيره مع ان يعقوب بن شعيب رحمه الله اصلا قد جمع

فيه كافة ما رواه عن ابي عبدالله ليس هذا الحديث منه ولو كان مما

آیت الله مددی : اينها بحث های فهرستی است .

یکی از حضار : کتاب داشته .

یکی از حضار : ولو كان مما رواه يعقوب بن شعيب لاورده في اصله الذي

آیت الله مددی : يعقوب بن شعيب بن نمى دائم كذا ميشم تمار از نوه های ميشم تمار بفرماييد .

یکی از حضار : لاورده في اصله الذي جمع فيه حديثه عن ابي عبدالله عليه السلام و خلو اصله منه دليل على انه موضوع

آیت الله مددی : خوب

یکی از حضار: بعد باز دو باره می گوید که بمضمون حدیث چیز می کند بعد می گوید وهذا يدلک على ان هذا الحديث عامی العقل بوده

بعيد عن العلماء و حاشا ائمة الهدى عليهم السلام مما اضافوا اليهم الجاهلون واعضاء اليهم المفترون والله المستعان

آیت الله مددی : خوب

یکی از حضار: وهذه الاحاديث الثلاثة مع شذوذها واضطراب سندها وطعن علماء في رواتها هي التي يعتمد عليها اصحاب العدد المتعلقون

بالنقد فقد بينا ضعف التعلق بها بما فيه كفاية ولله الحمد .

آیت الله مددی : خوب ، واما

یکی از حضار: واما رواة الحديث فصل واما رواة الحديث بان شهر رمضان شهر من شهور السنة يكون تسعة وعشرين يوما ويكون ثلاثين يوما فهم فقهاء اصحاب ابی جعفر محمد بن علی و ابی عبد الله جعفر بن محمد ابی الحسن موسی بن جعفر و ابی الحسن علی بن موسی و ابی الجعفر محمد بن علی و ابی الحسن علی بن محمد

آیت الله مددی: امام هادی

یکی از حضار: و ابی محمد حسن بن علی

آیت الله مددی: امام عسکری

یکی از حضار: صلوات الله عليهم والاعلام رؤساء المأخوذ عنهم

آیت الله مددی: این را آقای خوئی زیاد تکرار می کند که مثلاً ذکره شیخ المفید برسالة انه من الاصحاب و كذا ورؤساء الاعلام المأخوذ عنهم الحلال والحرام اینجاست آن عبارت اینجاست بعد اسم می برد .

یکی از حضار: بله بعد اسم می برد .

آیت الله مددی: والرؤساء الاعلام المأخوذ عنهم الحلال الحرام

یکی از حضار: والفتيا والاحكام الذين لا مطعن عليهم ولا طريق الى ذم واحد منهم فهم اصحاب الاصول المدونة والمصنفات المشهورة وكلهم من اجمع نقلا وعملا على ان الشهر رمضان يكون تسعة وعشرين يوما نقلوا ذلك عن ائمة الهدى عليهم السلام وعرفوه في عقيدتهم واعتمدوه في ديانتهم

آیت الله مددی: خوب

یکی از حضار: فقد فصلت احاديثهم بذلك في كتابي المعروف مصباح النور في علامات اوائل الشهور وانا

آیت الله مددی: مصابيح النور باید باشد . مصابيح النور کتابی است غیر از

یکی از حضار: این که الان مصباح النور دارد .

آیت الله مددی: مصابيح النور این درباره ای اثبات ماه رمضان و بقية الشهور بعدش را بخوان .

یکی از حضار: بله می گوید که الان اسمها را می برد و ممن روی عن ابی جعفر علیه السلام ابو جعفر محمد بن مسلم روی می گوید

متن های حدیث را می آورد و روی محمد بن قیس مثل ذلك ومعناه سندها را می آورد و روی محمد بن سنان عن ابی الجارود

آیت الله مددی: محمد بن سنان را تضعیف کرد اینجا

یکی از حضار: وروی مصعده بن صدقه

آیت الله مددی: خیلی ...

یکی از حضار: عن عمار بن موسی الساباطی

آیت الله مددی: اصلا احتمال می دهیم که بلا نسبت یک مقدار علم نزد آنها حالت جدلی پیدا کرده است یعنی مثلا خود مرحوم شیخ طوسی در این کتاب خلاف گاهی این طوری است مثلا یک شک در جزئیت می شود می گوید براءت اقتضاء می کند که واجب نباشد، یک جای دیگر شک در جزئیت را می گوید احتیاط اقتضاء می کند واجب باشد یک جا براءت است یک جا احتیاط است تقریبا شاید مرادش رد اهل سنت بوده است لا اقل مثلا به بعضی مبانی و الا، الان ایشان محمد بن سنان را اسم برد اینجا.

یکی از حضار: مصعده بن صدقه و عمار ساباطی و

آیت الله مددی: دقت کردید؟ حالا قبلش گفته بود دیگر حالا الرؤساء الاعلام والماخوذ عنهم الحلال والحرام وآن حرف ها را الی آخره حالا بیاورید کتاب شیخ طوسی را در همین باب ماه رمضان

یکی از حضار: فقط یک چیزی من می خواستم عرض کنم که ایشان در تصحیح الاعتقادات این جایی که دارد به شیخ صدوق انتقاد می کند می گوید و اما ما تعلق به ابا جعفر رحمه الله من حدیث سلیم الذی رجع فيه الى الكتاب المضاف اليه بروایات ابان بن ابی عیاش فالمعناه فيه صحيح غير ان هذا الكتاب غير موثوق به که اینجا اشکال را به کتاب می گیرد نه سلیم

آیت الله مددی: معروف این است که ایشان اشکال به سند می گوید نسخش مختلف است اصلش را قبول دارد می گوید نسخ مختلف دارد.

یکی از حضار: می گوید ولا يجوز العمل على اكثره وقد

آیت الله مددی: علی اکثر همان که گفتیم. علی اکثر همین اشکال ایشان این است که نسخ کتاب راست هم می گوید ما هم اشکالمان همین است اصل کتاب ظاهرا مشکل ندارد اما نسخ واحد ندارد این هم به خاطر این که افراد مختلف بودند بعضی ها در قم بودند بعضی ها بغداد بودند وقتی می خواستند مطاعن خلفاء را بنویسند خوب می ترسیدند بنویسند آنهایی که مطاعن کمتر دارد آنها ظاهرا به حساب از ترسشان بوده است یعنی بعبارة اخرى در نوشتن عبارات خیلی شرایط زمان و مکان را به کار بردند خوب برگردیم به عبارت شیخ طوسی

یکی از حضار: تهذیب در شیخ طوسی

آیت الله مددی: بله تهذیب در شیخ طوسی.

یکی از حضار: چه روایتی؟

آیت الله مددی: همین حذیفه بن برای شهر رمضان

یکی از حضار: روایت عدد

آیت الله مددی: روایت عدد شهر رمضان تام ابد

یکی از حضار: لا یصیه

آیت الله مددی: لا یصیه نقصان، تهذیب این بحث را، ببینید اینجا بیشتر بحث سندی کرد یک اشاره ای هم به بحث فهرستی داشت اما عمده ی بحث را برد روی سند و اینها صحاح هستند ثقات هستند اجلاء هستند و آنها هم ضعفاء هستند و الی آخره حالا عبارت شیخ طوسی را بخوانید.

یکی از حضار: خود روایت را بخوانم؟

آیت الله مددی: خود عبارت شیخ که می آورد روایت حذیفه بن منصور

یکی از حضار: بله می گوید فاما ما رواه فی کتاب الصیام من حدیث حذیفه بن منصور عن مدخل ۴۲۷۶۸ عن معاذ بن قلت لابی عبد الله علیه السلام ان الناس یقولون ان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم صام تسعة وعشرین اکثر مما صام ثلاثین فقال کذبوا ما صام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم منذ بعثه تعالی الی ان قبضه اقل من ثلاثین یوما

آیت الله مددی: این خیلی عجیب است معلوم است این حدیث چون منذ بعثه ۱۳ سال مکه که پیغمبر روزه نمی گرفتند اصلا، ماه رمضان حساب نبود چون ماه رمضان در مدینه شد دارد در بعضی روایات دارد که رسول الله همین طور روزه می گرفت حتی یقال ما افطر افطار می کرد حتی یقال ما صام و اما ماه رمضان را ندارد نه و اما در مدینه چون ایشان شعبان وارد مدینه شدند ماه رمضان سال اول را هم نگرفتند محرم که آمد به خاطر یهود همان روز تاسوعا و عاشورا را گرفتند به خاطر یهود در حدود ماه شعبان سال دوم کتب علیکم الصیام نازل شد، کما کتب علی الذین من قبلکم.

یکی از حضار: بنا بر ادیان قبلی که می گرفته؟

آیت الله مددی: بنا بر ادیان قبلی بوده و حتی گفته شده که در ادیان هم نبوده بر انبیاء سابق مثلا بوده حالا به هر حال آن بحث دیگری دارد این از سال دوم است منذ بعثه الله الی ان قبضه حرف عجیبی است شواهد تاییدش نمی کند بفرمایید آقا، می گوید حضرت در تمام این ۲۳ سال دائما ۳۰ روزه روزه گرفتند.

یکی از حضار: ولا نقص شهر رمضان منذ خلق الله السماوات من الثلاثين يوما وليلة ثم ذكر هذا الحديث من طريق آخر وهو الحسن بن

حذيفة عن ابيه عن معاذ قال قلت لابي عبد الله باز دو بار همين حديث .

آیت الله مددی: این سند اول حدیث اول را نخواندید ناقص خواندید

یکی از حضار: ابن رباح فی کتاب الصیام

آیت الله مددی: اها ابن رباح نقل کرده یوسف ابن رباح چیست احمد بن یوسف یک یوسفی دارد رباح هم دارد حالا یادم رفت اول اسمش

یادم رفت یوسف بن رباح فی کتاب الصیام بفرماید . خیلی این عجیب است کلام شیخ رحمه الله بفرماید .

یکی از حضار: ثم ذكر هذا الحديث من طريق آخر که خواندم وروی هذا الحديث ايضا محمد بن سنان عن حذيفة بن منصور عن ابي

عبد الله عليه السلام قال شهر رمضان ثلاثون يوما لا ينقص ابدا ثم ذكر من طريق آخر بالفاظ تزيد وتقص على ما تقدم ذكره عن الحسن

بن حذيفة عن ابيه عن معاذ قال قلت لابي عبد الله عليه السلام ان الناس يروون عندنا ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم صام هكذا

وهكذا وحكي بيده يطبق احدي يده على الاخرى عشر وعشر وتسعا .

آیت الله مددی: دقت کردید چطور شد ؟ این طوری این طوری این طوری

یکی از حضار: اكثر مما صام هكذا وهكذا عشرا وعشرا وعشرا

آیت الله مددی: این طوری و این طوری و این طوری

یکی از حضار: باز دوباره همان قال فقال ابا عبد الله عليه السلام ما صام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اقل من ثلاثين يوما وما نقص

شهر رمضان من ثلاثين يوما منذ خلق الله السماوات والارض وذكره من طريق آخر عن ابي عمران المنشد عن حذيفة بن منصور قال قال

ابا عبد الله .

آیت الله مددی: منشد اصطلاحا در آن زمان کسانی بود که مثل مداح های امروز ما شعر می خواندند برای مثلا یا مثلا منشد فلان بود مثل

دکلمه به اصطلاح یک شاعری یک منشدی داشت منشد کسی بود که شعر او را مثلا با یک ترتیب خاصی می خواند هر شاعری این متنبی

یک قصیده ی بسیار زیبایی دارد جزو عیون قصائدش است ، لكل امرء من دهر شب قدر هم هست ، لكل امرء من دهر ما تعودا هر انسان

حسب عادت ، تعودا یعنی عادت و عادات السيف في الدولة الطعن في العدا عادات او شمشیر زدن به دشمن هاست و عادات السيف في

الدولة الطعن في العدا بعد می گوید این کسانی که می آیند مدح تو را می کنند به سيف الدولة اینها می آیند شعر مرا برای تو می خوانند هر

چه من در مدح تو می گویم آن ها از خودشان نیست برای من است بعد می گوید وما الدهر الا من رواة قصائدی تمام روزگار راوی قصیده ی

من هستند ، روزگار ، وما الدهر الا من رواة قصائدی اذا قلت شعرا اصبح الدهر منشدا ، خیلی قوی است انصافا اذا قلت شعرا اصبح الدهر منشدا روزگار او را نقل می کند یعنی کسی نیست که بتواند منشد شعر من باشد شعر من را بخواند وما الدهر الا من رواة قصائدی اذا قلت شعلت آخر متنبی این جوری است یک شعر در مدح مثلا آن پادشاه می گوید یک شعر هم در مدح خودش می گوید این طوری است خودش هم خیلی می برد بالا چیزی هم ندارد به اصطلاح رسما هم معلوم نیست پسر کیست آخر متنبی می گویند احتمالا جزو علوی های کوفه بوده اما پدرش معلوم نیست کیست یک کتابی یک عراقی نوشته بود سنی نوشته بود من دیدم المتنبی یسترده اباه خیلی وقت است شاید پنجاه سال که متنبی پدرش را پیدا می کند آن می گوید این متنبی چنین شاعر قوی پسر امام زمان است پسر حضرت مهدی است اینکه نوشتند علوی است اسم پدرش در کوفه در آوردند و این جور چیزها ایشان اصرار دارد که کتاب بزرگی هم نیست کوچک است دلیلی هم نیاورده همین طور از همین برای شب عید الزهراء به اصطلاح از این حرف هایی که به درد شب عید الزهراء می خورد .

اما انصافا بعضی شعرهایش واقعا چیز عجیبی است مثل همین شعری که گفتم وما الدهر الا من رواة قصائدی اذا قلت شعرا اصبح الدهر ، قبلش دارد چه ؟ اتاک اتاک المادحون بمدحتی انا صائح المحکی والآخر صدی یعنی هر کسی که می آید تو را مدح می کند این صدای من را به تو برمی گرداند مثل اینکه آدم در کوهستان یک چیزی می گوید صدا برمی گردد من صدا می کنم برمی گردد صدی یعنی آن صدایی که ، هر کسی چیزی راجع به تو می گوید آن در حقیقت مطلب من است کسی غیر از این دیگر بیشتر نمی تواند بگوید آن چه که من گفتم خیلی قصیده ی قشنگی است دالی قشنگی است بفرمایید آقا .

یکی از حضار : و ذکره عن طریق آخر عن ابی عمران المنشد عن حذیفة بن منصور قال قال ابا عبد الله عليه السلام لا والله لا والله ما نقص الشهر رمضان ولا ينقص ابدا من ثلاثين يوما و ثلاثين ليلة وقلت لحذیفة لعله قال لك ثلاثين ليلة وثلاثين يوما كما يقول الناس الليل لیل النهار فقال لی حذیفة هكذا سمعت و آخرین روایت هم که روی محمد بن ابی عمیر عن حذیفة بن منصور قال اتیت من معاذ بن کثیر فی شهر رمضان و کان معی اسحاق بن محول وقال معاذ لا والله ما نقص من شهر رمضان قط بعد ایشان می گوید وهذا الخبر لا یصح العمل به من وجوه

آیت الله مددی : حالا مناقشات شیخ طوسی . همان است که ما می گویم ای کاش شیخ طوسی این کار را همه جا کرده بود و نکته ای که من عرض کردم ملتفت شدید اصلا اسم عبد الله بن جعفر در هیچ روایتی نیست . معلوم می شود این شیطان ، روشن شد چه می خواهم بگویم ؟ برداشته احادیث را به اسم کسانی دیگر گذاشته است . این را برای اولین بار من متفطن شدم کسی دیگر متفطن نشد دیگر جزو فواید بحث ماست این شیطان فهمیده که اگر بخواهد اسم علمای شیعه را ببرند اینها شناخته می شوند دیگر می گویند آقا نگفتی این سعی

کرده یک راهی را درست بکند که یک اسم های مجهولی را در بیاورد بگوید این آقا به من گفت ولی این آقا کی هست خودش هیچ کس نمی شناسد ، این در حقیقت مجهول این راه حالا خیلی قصه ی خاصی است من ان شاء الله شواهدش را هم باز عرض می کنم شاید در شب های دیگر حالا امشب بخوانند ، بخوانید شما و هذا الخبر لا یصح من وجوه بفرمایید .

یکی از حضار : کل این چند خبر ؟

یکی از حضار : نه ظاهرا خبر آخر را می گوید چون بعدا باز برمی گردد به خبرهای قبلی

آیت الله مددی : حالا بفرمایید اشکال ندارد حالا کلا بخوانید اشکال ندارد .

یکی از حضار : و هذا الخبر لا یصح من وجوه احدها ان متن هذا الحديث لا یوجد فی شیء من الاصول المصنفة وانما هو موجود فی الشواذ من الاخبار

آیت الله مددی : در مصنفات و اصول نیامده با اینکه شیخ اهل اصول و مصنفات نیست اینجا برگشت به اصول و مصنفات ، خصوصا این خبر اخیر را اگر دقت کنید از ابن ابی عمیر نقل کرد می خواهد بگوید در نسخ کتاب ابن ابی عمیر نیست ، چون گفت روی ابن ابی عمیر بله بفرمایید .

یکی از حضار : بله ، و منها ان کتاب حذیفة بن منصور رحمه الله عری منه والکتاب معروف ومشهور

آیت الله مددی : ببینید کتاب حذیفة معروف است درش نیست این حدیث اصلا ، نه غیر از حالا ابن ابی عمیر بخوانید بعد .

یکی از حضار : الکتاب معروف مشهور ولو کان هذا الحديث صحيح عنه لضمنه کتابه

آیت الله مددی : لضمنه کتابه

یکی از حضار : لضمنه کتاب

آیت الله مددی : خوب .

یکی از حضار : ومنه ان هذا الخبر مختلف الالفاظ مضطرب المعانی الا ترى ان حذیفة تارة یرویه عن معاذ عن ابی عبد الله تارة یرویه عن ابی عبد الله بلا

آیت الله مددی : این مناقشاتی است که اهل سنت دارند طبیعت مناقشات اهل سنت این می شود که تارة ان یرویه مرفوعا تارة ان یرویه موقوفا این دارند .

یکی از حضار: و تارة یفتی به من قبل نفسه فلا یسنده الی احد وهذا الضرب من الاختلاف یضعف الاعتراض به والتعلق بمثله ومنها انه لو

سلم من جمیع ما ذکرناه لکان خبر واحد لا یوجب علما ولا عملا

آیت الله مددی: عجیب است با اینکه خودش عمل می کند .

یکی از حضار: فاخبار الاحاد لا یجوز الاعتراض بها علی ظاهر القرآن والاخبار المتواترة بعد یک اشکال معنایی می کنند که ولو کان هذا

الخبر مما یوجب العلم لم یکن فی مضمونه ما یوجب العمل علی العدد دون الالهة وانا ابین عن وجهه که می گویند منظور اینجاسی چه

بوده از سی و اینها در توضیح بعدا بعد می گوید اما الحدیث الذی رواه الحسن بن حذیفة عن ابيه انه قال بعد روایت را می آورد فانه یفید

تکذیب الراوی من العامة عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم انه صام شهر رمضان تسعة وعشرين اکثر مما صامه ثلاثین ولا یفید انه لا

یصح صیامه تسعة وعشرين ولا یتفق ان یكون زمانه كذلك .

آیت الله مددی: ببینید با اینکه گفت حسن بن حذیفة در نسخه ی حدیث این حدیث نیست باز می آورد توجیه می کند این بوده متعارف بوده

نزدشان .

یکی از حضار: و یكون معنی قوله ما صام منذ بعث الى ان قبض اقل من ثلاثین یوما و یكون معنی قوله الاخبار عن ما اتفق له من ذلك فی

مدة زمان فرض الله علیه بذلك دون ما یتقبل فی الاوقات بعد تلك الزمان و یحتمل ان یكون لم یصم رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

اقل من ثلاثین یوما علی ما ادعاه مخالف من الكثرة دون القلة والتقریب

آیت الله مددی: دائما توجیه می کنند .

یکی از حضار: فکانه قال لم یکن صام رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اقل من ثلاثین علی اغلب احواله حسب ما ادعاه المخالفون

و یكون قوله ولا نقص شهر رمضان منذ خلق الله تعالی سماوات والارض من ثلاثین یوما وثلاثین لیلة علی الوجه الذی زعم المخالفون ان

نقصانه عن ذلك اکثر من تمامه واذ احتمل الكلام من المعنی فی هذا الخبر ما ذکرناه

آیت الله مددی: توجیه معنا می کند ، یک جا فقط رفت روی متن گفت کتاب حذیفة مشهور است در کتابش نیست در این نسخه ای که

حسن پسرش نقل کرده هست حسن بن حذیفة اما در نسخه ی مشهورش نیست این بحث فهرستی است اگر این نحوه ی ، البته بعد بحث های

جدل دلالتی که بحث های جدلی است دلالی ، تو که قبولش نکردی ، قبولش نکردی دیگر این توجیهات چیست ؟ در مقابل مخالف و در

مقابل از این حرف ها دیگر این حرف ها محل ندارد دیگر وقتی کلام باطل است این حرف ها محل ندارد بله بفرماید .

یکی از حضار: دیگر همین روایت محمد بن چیز را هم می آورد و دوباره همین بحث های معنایی می کند .

آیت الله مددی: بحث روایت محمد بن یعقوب را هم می آورد؟

یکی از حضار: نه آخرین روایتی که بحث می کند

آیت الله مددی: که شیخ مفید آورده است روایت محمد بن یعقوب

یکی از حضار: همان محمد بن سنان عن حذیفه باز این را هم بحث می کند و دوباره همین طور بحث های معنایی که این در مقابل آنهاست

و اینها بعد می گوید فاما

یکی از حضار: خیلی طولانی بحث کرده است.

آیت الله مددی: بله خیلی بله به تهذیب نمی خورد. و ای کاش این بخش های حدیثی ما این جور بررسی می شد روایت محمد بن یعقوب

شعیب را چه عجب نمی آورد

یکی از حضار: نمی آورد و بعد دوباره سه تا روایت را در همین معنا می آورد می گوید و اما خیلی روایت طولانی است بیخشید می گوید که

فاما الذی رواه محمد بن الحسین بن ابی الخطاب عن محمد بن اسماعیل عن محمد بن یعقوب بن شعیب عن

آیت الله مددی: همین.

یکی از حضار: اینجا تقدش را می آورد قال قلت لابی عبد الله ان الناس يقولون ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم روایت طولانی را

می آورد و روی هذا الحديث ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه عن ابيه عن سعد بن عبد الله عن محمد بن الحسين عن محمد بن اسماعیل

عن محمد بن یعقوب بن شعیب عن ابيه عن ابی عبد الله باز دوباره این را می آورد که کذبوا ما صام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الا

تاما ولا تكون الفرائض ناقصة این هم روایت دوم بعد می گوید ورواه الكلینی محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن سعد بن زیاد عن

محمد بن اسماعیل عن بعض اصحابه عن ابی عبد الله

آیت الله مددی: این عبارت مفید است شیخ مفید است استادش

یکی از حضار: شعبان لا يتم ابدأ وشهر رمضان لا ينقص والله ابدأ همه ی اینها را ایشان می آورد بعد می گوید وهذا الخبر ايضا نظير ما تقدم

فيه ان لا يصح الاحتجاج بمثل ما قد مناه من انه خبر واحد لا يوجب علم وخبر واحد لا يوجب علما ولا عملا وانه لا يعترض بمثله على

ظاهر القرآن والاخبار المتواترة وانه ايضا مختلف الالفاظ والمعاني والخبر واحد والاسناد واحد وايضا فان هذا الخبر يتضمن

یکی از حضار: چرا اسناد واحد؟

آیت الله مددی: یعنی یک سند واحد داشته این که مرحوم صدوق با آن که مرحوم شیخ مفید آورده است، بله.

یکی از حضار: ان هذا الخبر يتضمن من التعليل ما يكشف عن انه لم يثبت عن امام هدى عليه السلام من ذلك ان قول الله عز وجل وواعدنا موسى ثلاثين ليلة لا يوجب استمرار امثال ذلك الشهر على الكمال في ذى القعدة بعد اينها را می گوید و خلاصه کلی اينها را بعد بحث تعليل را مطرح می کند

آیت الله مددی: بعد چه کار می کند آخرش

یکی از حضار: همين طور بحث می کند و اجمع المسلمون على ان المعتدل بالشهور اذا طلقه زوجها اين بحث های معنایی را همين طور ادامه می دهد باز می گوید که مثلا تعليل های بعدی که در اين روايت آمده مثل لتكمل العدة که آمده اينها را نمی تواند از امام باشد بيطل ثبوتا عن امام هدى بعد می گوید و هذه الجملة خیلی طولانی است شايد دو صفحه است و هذه الجملة التي ذكرناه تدل على ان التعليل المذكور لتمام شهر رمضان ثلاثين يوما موضوع لا يصح عن الائمة عليهم السلام ولو سلم هذا الحديث من جميع ما ذكرناه لم يكن متضمن لفظ متنه محتلا لو فاق العمل على الاهلة ولم يوجب الحكم بصحة خلافه فذلك ان تكذيب العامة في ما ادعوه من صيام رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم شهر رمضان تسعة وعشرين يوما اكثر من صيامه اياه ثلاثين يوما لا يمنع من ان يكون قد صامه تسعة وعشرين يوما غير ان صيامه كذلك كان اقل من صيامه اياه ثلاثين يوما باز می رود در همان بحث که سی و بیست و نه اینجا یعنی چه ؟ یکی از حضار: معنایی و محتوایی .

یکی از حضار: بله بعد هم لتكملوا العدة را می گوید که اين اصلا تعريف کرده نفسه وواعدنا موسى ثلاثين ليلة هم همينطور بعد خلاصه می گوید والذي يدل على ما ذكرناه من جواز النقصان على ذى القعدة في بعض الاوقات ما رواه بعد می آید در روایتی که برای بیست و نه بوده ان الشهر الذي يقال انه لا ينقصه ذوالقعدة ليست في شهور السنة اكثر نقصانا منه روايت معاوية بن وهب است از امام صادق . بعد خیلی همين طور بحث می کند .

آیت الله مددی: آنچه که ایشان حالا بحث می کند غير از آن جهات دلالي نکته ای را که ما می خواستيم بگويم ایشان می گوید آقا در کتاب حذيفة که مشهور است نیست در اصول مصنفه هم که ما داشتيم با اینکه از ابن ابی عمير نقل می کند اين روايت وارد نشده است .

یکی از حضار: برای ابن رباح هم آخر سر می گویند آن آخر سر واما ما رواه ابن رباح عن سماعة عن حسن بن حذيفة وهذا الخبر ايضا نظير ما تقدم من انه خبر واحد لا يوجب علما ولا عملا والكلام عليه كالكلام على غيره من انه لا يجوز الاعتراض به على ظاهر القرآن .

آیت الله مددی: ببینید اين خبر واحد هم بحث اصولی حجيت است باز دائما می چسبد به حجيت لكن در اثناء می گوید در اصل کتاب ایشان نبوده است . یعنی در اثناء قبول می کند . وصلى الله على محمد وآله الطاهرين